

آرزوی برای خاک

چندی پیش جلسه‌ای بین رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست تشکیل شده و پس از آن رئیس سازمان محیط زیست چهار موضوع را به عنوان محورهای اصلی کار این سازمان تا پایان دوره ریاست جمهوری دکتر روحانی، به معاونان و همکارانش در ادارات محیط زیست استانهای ایران اعلام کرده تا دست کم معلوم شود در سه سال باقی مانده تا پایان کار دولت فعلی، نیروی اصلی در سازمان محیط زیست، از میان دهها موضوع و اشکال زیست محیطی، صرف کدام موضوعات خواهد شد. اولین نکته ریزگردها و آلودگی هوا بوده است که انصاف است اگر گفته شود، بیشترین صدمه و تغییر چهره شهرهای بزرگ را در سالهای اخیر، همین دو میهمان زشت رو پدید آورده‌اند. ریزگردها همین روزها از کربلا تا تهران

را فرا گرفته‌اند و هیچ دفاعی هم از تهران تا کربلا در برابر این لشکر متراکم وجود ندارد. اما در این سالها که از تولد ریزگردها گذشته، کاملاً معلوم شده که علت این هجوم، حتی در ایران و عراق نه، بلکه تا ترکیه و عربستان هم کشیده شده و کارشناسان محیط زیست می‌گویند، ترکیه برخلاف توافقات خود با سوریه و عراق، در زمانی که این دو کشور از نظر سیاسی، تضعیف شده بودند، سدهای بزرگی بر سر چشمه رودهای دجله و فرات بسته و سهم آب را برای کشور خود بیشتر کرده و نتیجه این زیاده خواهی این بوده که دیگر آبی در مناطقی از عراق و سوریه که زمانی زیر آب بودند باقی نمانده و این خاکهای سست با هر باد تندی به ایران هجوم می‌آورند. چشمه‌های دیگر گرد و غبار هم گاه از سوی بیابانهای شرق عربستان به سوی ایران می‌آیند. همین کارشناسان معتقدند سهم کوچکی از ریزگردها از داخل مرزهای ایران به آسمان بلند می‌شوند و به این ترتیب در داخل ایران تقریباً هیچ کار مهمی برای برطرف کردن هیولای ریزگرد نمی‌توان کرد. در حالی که حل ماجرا کاملاً رنگ

آرزوی برای باد

سازمان محیط زیست و رئیس جدیدش، دیگر هدف مهم خود تا پایان عمر سیاسی دولت دکتر روحانی را مسأله آلودگی هوا قرار داده‌اند. در طول سالهای گذشته، بارها از سوی کارشناسان محیط زیست، منشا این آلودگی خودروهای فراوان درون شهرها و موتورسیکلتها دانسته شده، خودروهایی که هر سال به میزان تولیدشان در داخل ایران و تعداد وارداتشان از خارج هم افزوده شده است. سازمان محترم محیط زیست هم تمام ابزارهای قانونی که در اختیار دارد، همان است که استانداردهای آلودگی

آرزوی برای سطلهای زباله

سومین آرزوی این وزیر قبلی کشاورزی که حالا جامه معاونت رئیس‌جمهور را پوشیده است، ساماندهی وضعیت پسماندها و زباله‌های شهرهاست. زباله‌هایی که روزانه میلیونها کیلوگرم از آنها تولید می‌شوند، ولی محل مناسبی برای دفن آنها وجود ندارد و با وجودی که در دنیای صنعتی برخی کشورها از زباله‌ها، برق تولید می‌کنند و این دورریختنی‌ها را به برمصرف‌ترین کالا تبدیل می‌کنند، در ایران هنوز این راه هم چندان عملی نیست. در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همیشه مسأله جمع‌آوری و مدیریت پسماند هم بر عهده شهرداری‌ها بوده و امروز این نهاد هم با وجود همکاری نزدیک شوراها، حتی از نظارت مستقیم دولت هم خارج شده و

این قبیل خودروها را کنترل کند و سابقه فعالیت این سازمان نشان می‌دهد، با اندکی فشار خودروسازان و وزارتخانه‌های صنعت و اقتصاد، در کوتاهترین زمان ممکن، بزرگترین عقب‌نشینی‌ها را به همراه داشته و سر را در برابر فشارها خم کرده است طوری که حتی اگر این رئیس جدید، قصد اجرای تمام قد این استانداردها را داشته باشد هم نمی‌تواند جلوی حجم بالای خودروها، موتورسیکلتها و دیگر وسایل نقلیه فراوان را بگیرد و این یعنی به آرزوی دوم خود هم نخواهد رسید و امید نمی‌رود که دست کم از سازمان محیط زیست کار چندانی ساخته باشد. جالب اینکه بزرگترین ادعاها برای برطرف کردن آلودگی هوادر

دولتها اگر بخواهند هم نمی‌توانند، نقش بزرگی در چگونگی اداره شهرها بویژه مسأله پسماند شهری داشته باشند و تقریباً هیچ سابقه‌ای از دخالت سازمانهای محیط زیست دولتها در این مسأله وجود ندارد و شاید با این سابقه، امکان دخالت و نظارت بخش مدیریت سازمان محیط زیست در مسأله پسماندهای شهری هم به حداقل ممکن کاهش یابد. آخرین آرزوی رئیس جدید سازمان، مربوط به حق آب تالابها و دریاچه‌ها و رودخانه‌های کشور است. اینکه اگر آبی باید به دریاچه و رودخانه‌ای و تالابی برود، اجازه داده نشود که کشاورزان آن را قبل از رسیدن به این مقصد به مزارع خود راهنمایی کنند و باعث شوند که جان رود و تالاب و دریاچه به لب آید. تجربه دریاچه مظلوم ارومیه نشان داد، با وجودی که همین شخص رئیس سازمان محیط زیست، ریاست کمیته احیای دریاچه ارومیه را بر عهده داشت، ولی



سیاسی به خود گرفته و در گام اول کشور ترکیه باید بپذیرد که حق آب سوریه و عراق را که پشت سدهای خود ذخیره می‌کند، رها کند، در روزهای پیش رو و با دولتهایی که در عراق و سوریه در راس امور این دو کشور هستند، می‌توان اطمینان داشت که آنها زورشان به ترکیه نخواهد رسید و متأسفانه ایران هم در گرفتن سهم حق آب خود از همسایگان سابقه خوشی ندارد تا بتوان احتمال داد که ایران هم بتواند ترکیه را متقاعد کند از این همه آب چشم پوشی کند. چرا که بیش از چهاردهه است که افغانستان در همسایگی شرقی ما سهم ایران را از رود هیرمند نمی‌دهد و ایران همچنان با سکوت به چشم همسایه خود می‌نگرد! در موضوع چشمه‌های خاک که از عربستان راهی ایران می‌شوند، کار به مراتب از این



شهرهای بزرگ، تاکنون همیشه با این جمله همراه بوده که برای دفع شر آلودگی هوا، باید مدیریت یکپارچه‌ای وجود داشته باشد که بر تمام مسایل شهری از جمله خودروها، امنیت، صنایع و اداره شهر مسلط شود که حتی اگر روزی چنین مدیریت یکپارچه‌ای در ایران ایجاد شود، سکون این مرکز



فشار کشاورزان و تاییدات صاحب منصبان سیاسی استانی و محلی و مرکزی چنان فراوان بود که سرانجام ادامه یافتن کشاورزی به ادامه یافتن حیات دریاچه اولویت گرفت تا سطح آب دریاچه نسبت به سال گذشته، باز هم پایین تر رود. ظاهراً ساماندهی تقسیم آب موجود در ایران هم، روز به روز سیاسی تر می‌شود و زیر سایه ملاحظات امنیتی و انتظامی قرار می‌گیرد تا باز هم نقش و اثر سازمان ظاهرأ حفاظت از محیط زیست در آن، کمتر و کمتر شود و حالا تنها یک امید به باطل نشدن زود هنگام این ابلاغیه رئیس محترم